

بحثی در زمینه

ارکستر سازهای ملی

از سایان سپنتا



۲

در باره ساختمان سازهای ارکستر ایرانی مطالب بسیاری هست که در این مقال جای بحث مفصل آن نیست همینقدر بطور مجمل اشاره میشود که طنین یا زنگ اصلی هر ساز باید در جای خود محفوظ باشد. باید معیاری را بطور تقریب معین کرد، بطور مثال: در اروپا صدا و زنگ ویلن‌های ساخت استرا-دیواریوس معروف و مورد پسند میباشد و مشخص است، همچنین تعیین تنالیته صفحه‌های زیرین و زیرین ویلن، و قراردادن پل و خرنک آن مطابق اصول مخصوص و متد معینی صورت میگیرد، و آنرا طوری تنظیم مینمایند که زنگ ولون خاص ویلن از بین نرود. در تنظیم سازهای ایرانی برای ارکستر نیز طبیعتاً این مطلب پیش میآید که باید برای ساختمان این سازها اندازه معینی در نظر گرفت که طبیعتاً لون و صدا داری خاصی خواهد داشت.

بنابراین اگر مثلاً کمانچه‌ای بسازند که صدایش از لحاظ شفافیت شبیه به ویلن باشد ساز صدا داری اصیل خود را از دست خواهد داد. بنا بر این بهتر است پس از تعیین اندازه‌های آن از لحاظ سیم و پوست (مثلاً در همان کمانچه) آنرا طوری تنظیم کرد که لحن شرقی خود را از دست ندهد مثلاً اگر بجای

پوست در تار، صفحه آنرا از چوب انتخاب کنند، گوا اینکه عیب تغییر نمودن در برابر طوبت از بین میرود ولی اصالت و لحن اصلی آن تغییر پیدا میکند. پس اذکر این مطلب يك سؤال پیش میآید، و آن اینستکه: آیا دیابازن معین این ارکستر چگونه و در چه حدودی میتواند باشد؟

پوست تار و کمانچه تا حدود معینی میتواند مقاومت داشته باشد ولی در برابر فشار سیمها صداداری ساز تا حدی عوض میشود. صدای نی معمولی که در ایران موجود است (مثلا هفت بند) در حدود معین بطور واضح و خوش صدا ملودی را اجرا میکند، آیا تار میتواند در این حدود خوش لحن و گیرا باشد و زنگ خود را حفظ کند؟ در اینجا باید بدانیم که ارکسترهای کوچکی که از این سازها تشکیل شده تا حدی ما را بمقصد نزدیک میکند چون میبینیم که بعضی سازهای معمول بخوبی باهم همنازی کرده اند، ولی در مورد بعضی سازهای جدید که مجبوریم برای يك ارکستر بزرگ ایرانی در نظر بگیریم تا قسمتهای خالی را از لحاظ وسعت ارکستر تکامل بخشیم، این اشکال را باید با دقت رفع نمود.

اضافه وسعت سازها یکی دیگر از نکته های قابل بحث است، تار و سه تار در قسمت زیر (پائین دسته) تا حدی ضعیف است و فاقد بعضی نوتها میباشد و اگر با اضافه کشش سیمهای سفید (دو) بخواهند باین وسعت توسعه بخشند سیمها تاب مقاومت ندارد (چون طول آن نسبت بقطر آن زیاد است) بنابراین این میتوانیم این تار معمولی را در حدود خود قبول داشته باشیم و برای اضافه وسعت اینگونه سازها در نوتهای سبزه نوتاری بعنوان تار سه تار و اضافه کنیم. در مورد سایر سازها رویه ای بایستی عمل شود که در آخر بحث نمونه آنرا بدست خواهیم داد.

مطلب مورد دقت دیگر تسهیل در ویرتنوژی سازها میباشد اکثر آوازه های ایرانی بطور متصل در روی خطوط حامل بالا و پائین میرود و فواصل گسسته کمتر دارد، در بعضی جاها نیز تحریرها و تکیه های مخصوص بین فواصل را بر می کنند. اجرای اینگونه ملودیها در روی بعضی سازهای معمول بلا اشکال است ولی اگر آهنگهای جدیدی تنظیم شود و برای این سازها پارسیون بنویسند، آنوقت است که نوازنده از اجرای بعضی نوتها در روی ساز خود باشکال بر خواهد خورد. گوا اینکه در موسیقی کلاسیک اروپائی، آهنگساز تا حدود امکان

حدود و مشخصات ساز را بخوبی در نظر میگیرد، ولی این امکانات در بعضی از سازهای ایرانی خیلی ضعیف است، بطور مثال تاروسه تار دارای دسته نسبتاً دراز است بنابراین اجراء آوازا تقریباً بدون اشکال است، چون همانطور که ذکر شد با منحنی متصل نوتهای آن بالا و پایین میرود، ولی در اجرای فواصل نقص زیاد دارد. چه فاصله بین انگشتها زیاد است و در فواصل گسسته دست چپ پرش زیادی خواهد داشت. حدود سازهای معمولی ایران بیشتر مقرون به نوتهای میانه است (حدود آلتو و تنور) بنابراین در کستر ایرانی از لحاظ سازهایی که قسمتهای باس را تقویت کند، ضعیف و ناقص است، مخصوصاً با احتیاج مردم به آهنگهای چند صدائی ایرانی و خستگی گوش از ملودی يك صدائی که طبیعتاً رو بفرزونی خواهد نهاد، احتیاج در کستر ایرانی از لحاظ صداهای باس، برای پشتیبانی ملودی اصلی شدت خواهد یافت. تاچندی این احتیاج احساس نمیشد. در تار سیم بم وجود نداشت، و هنوز هم بعد از بوجود آمدن آن کمتر ملودی اصلی را با آنان اجرا میکنند، بلکه از نظر پشتیبانی برای چهارمضرا بها و رنگبائیکه ملودی اصلی آن روی سیمهای سفید (دو) و زرد (سل) اجرا میشود، بکار میبرند، در نواختن نیز بنوتهای میانه آلتو و تنور بیشتر اهمیت میدهند و فقط برای احتراز از یکنواختی جملات ملودی کوتاهی را گاهی در اکتا و پائین جواب میدهند، و یا پس از اجرای ملودی اصلی نوتهای تنیک، شاهد، و یا ایست را با حدود بم اجرا میکرده اند (مانند نمونه‌هایی از نایب اسدالله که بر روی صفحه ضبط شده است).

در کمانچه غالباً سیمهای بم (در قدیم و تره‌های ابریشمی یا زهی) را بعنوان پدال بکار میبرده اند و باز ملودی اصلی روی سیم اول آن اجرا میشود. در مورد اصوات زیر، مخصوصاً در سازهای بادی وجود پیکلو لازم است، و در مورد صدای باس این سازها، اصولاً نمونه خوبی در دست نداریم که این قسمت را تکامل بخشد.

میدانیم که بنیان يك از کستر، و این از کستر ایرانی که مورد بحث است باید بدین ترتیب تقسیم شود: سازهای زهی، سازهای بادی، سازهای ضربی و در تنظیم و تشکیل يك از کستر بزرگ ملی باید از هر دسته مشخص این سازها بخوبی استفاده کرد.

سازهای زهی باید مانند سایر دسته‌ها چهار صدای مشخص را اجرا کند (سپرانو، آلتو، تنور، باس) گوا اینکه این وسعت را در ارکسترهای کوچک ایرانی ندیده‌ایم چنانکه قبلاً هم اشاره شد ولی نکته‌ای که از ذکر

آن ناگزیرم اینستکه محدود کردن ارکستر بعنوان حفظ سنت و اصالت عملی خطا است. برای قسمت سپرانو و نوتهای آلتو کمانچه سازملى ایران بخوبی این احتیاج را برمیآورد، فقط باید بدانیم که پزیسیونهای پائین کمانچه در قدیم مرسوم نبوده و اگر نوازنده بخواهد از این حدود براحتی استفاده کند، ناگزیر فشار برسیم و بالاخره روی خرك فزونی خواهد یافت (چون انگشتها پائین دسته کمانچه نزدیک کاسه آن کار میکنند) و بالاخره با انتقال فشار بر پوست، در کشش سیم تغییری حاصل خواهد شد (در کمانچههای با خرك بلند این عیب زیاد است). بنا بر این بایدطوری انحناء دسته را انتخاب کرد که این اشکال در اجراء پیش نیاید. همچنین سنوریته این ساز باید بسیار خوب و قوی باشد، چه قسمت ملودی اصلی را غالباً میباید اجرا کند، و صداداری تارها و سنتورها و سازهای بادی نباید آنرا تحت الشعاع قرار دهد. برای اجرای صداهای دیگر باریتون و باس اگر کمانچه بزرگتری بسازند شاید بخوبی از عهده بر نیاید. خوشبختانه در نواحی بلوچستان سازی متداول است بنام قیچک که برای صداداری این قسمتها، استعداد آن بیشتر از کمانچه است و آن مثل تار دارای دو کاسه است ولی ترکیب آن باتار متفاوت است و کاسه فوقانی غالباً بدون پوست میباشد، و دهانه آن برای تشدید صداهائیست که از پشت خرك در کاسه پائین طنین میافکنند، بنا بر این برای تکامل قسمتهای باریتون و باس سازهای زهی ساز مناسبی است.

در قسمت سازهای بادی نوع رایج در ایران چنانکه ذکرش رفت همان نی میباشد که ساز چوپانی ایران است و بعلمت بندهای آن آنرا نی هفت بند مینامند. گویانکه این سازمانند فلوت کامل نیست ولی لحن شرقی خاصی دارد، و کواتری از آن جای خالی سازهای بادی را پر خواهد کرد، فقط در این قسمت باید مطالعات دقیقی بعمل آید، چون برای نی باس هنوز معیار صحیحی نداریم و ساز کامل ایرانی که این حدود را براحتی اجرا کند در دست نیست، بنا بر این ساز کاملاً جدیدی خواهد بود که ساختمان آن زحمت زیادی در بر خواهد داشت.

در میان سازهای مضرابی، تار آینه خوبی خواهد داشت، چون در میان سازهای مضرابی خوش آهنگ تر است، نواقصی نیز دارد که اشاره شد از لحاظ اثر رطوبت و غیره در پوست آن، ولی این قسمت را میتوان با تغییر فاصله خرك

جبران نمود و با آن حالات مختلفی را میتوان بیان کرد. اگر مضراب را نزدیک دسته بزنند صدای مغموم و پخته و ملایم خواهد داشت و اگر نزدیک خرك باشد صدا باوقار و مصمم و قوی خواهد بود. با مضرابهای ریز از دور صدای سازهای زهی تولید میشود و در هر صورت آرمونی را تا پنجم آریژ میکند و برای پشتیبانی ساز خوبی است. دو ساز دیگر مشهور در این دسته سنتور و قانون میباشد که قانون از لحاظ صداداری در قسمت بم جالب توجه است. نگارنده در این زمینه نمونه‌ئی بدست میدهد بدون اینکه در این عقیده و جزئیات تنظیم این ارکستر پافشاری نماید چون این مبحثی است که باید با دقت بسیار مورد مطالعه همه اشخاص ذی صلاحیت قرار گیرد:

۸- کمانچه اول

۶- کمانچه دوم

۴- قیچک (آلتو)

۴- قیچک (باس)

۴- قیچک (کنتر باس)

۱- نی کوچک (مشابه پیکلو که برای اجراء اصوات زیر مناسب است)

۲- نی (مثلاً نی هفت بند)

۲- نی آلتو

۳- نی باس

۲- سرنا (جایگزین اوبوا) و مطالعات فریگی

۴- تار معمولی (یک تار سیرانو و دو تار آلتو)

۲- تار باس

۲- سنتور

۱- قانون

۴- نوع ضرب (نقاره و دایره زنگی نیز اضافه میشود)